

## موعظه جهت متقاعد ساختن

برایان نجاپفور

شبانان بطور الهی فراخوانده شده اند تا کلام خدا را موعظه کنند و می بایست این کار را بطور متقاعد کننده ای انجام دهند، دقیقاً همانطور که پولس در اعمال ۱۸: ۴ انجام داد: «و هر سبت در کنیسه مکالمه کرده، یهودیان و یونانیان را مجاب می ساخت.» واعظان باید در پی متقاعد کردن شنوندگان خود باشند که نه تنها کلام خدا را بشنوند و دریافت کنند بلکه آن را به کار ببرند. متأسفانه همانطور که مایکل جی کروگر مشاهده نمود، متقاعد کردن «امر مهمی است که در اغلب موعظت گم شده است.» هدف من از ارائه ای این سه تفکر در مورد موعظه ای متقاعد کننده این است که شبانان همکارم را به موعظت متقاعد کننده تر تشویق کنم.

### قدرت روح

موعظه ای متقاعد کننده بر اساس اعتماد به قدرت روح القدس برای تبدیل گناهکاران است. همانطور که هر یکشنبه پشت منبر می ایستید، به یاد داشته باشید که در حال موعظه برای جماعتی هستید که هم گوسفندان و هم بزها در آن هستند. در کلیسای محلی هم ایمانداران حضور دارند و هم بی ایمانان. کلیساها بطور کامل خالص نیستند. هم ایمانداران و هم بی ایمانان به انجیل نیاز دارند: ایمانداران برای نجات و بی ایمانان برای تقدیس خود.

موعظه برای بی ایمانان مانند صحبت کردن برای مرده هاست. این تصویر را می توان در حزقیال ۳۷ مشاهده کرد، وقتی که خدا نبی خود را فرستاد تا بر استخوان های خشکیده نبوت کند، استخوان هایی که سمبل شرایط روحانی «تمامی خاندان اسرائیل» بودند (حزقیال ۳۷: ۱۱). فرزندان اسرائیل مانند این استخوان های خشکیده، از نظر روحانی مُرده بودند. خدا به اسرائیل فرمود به آنها بگوید: «ای استخوان های خشک کلام خداوند را بشنوید!» (حزقیال ۳۷: ۴). وقتی این استخوان ها در حقیقت مُرده هستند، چطور می توانید آنها را متقاعد کنید کلام خدا را بشنوند؟ در اینجا است که نیاز دارید کاملاً به قدرت فراطبیعی روح القدس متقاعد شوید تا گناهکارانی که در روح مُرده اند را به همراه مسیح زنده کند (افسیسیان ۲: ۵).

بنابراین با اعتماد کامل به توانایی خدا برای نجات حتی کسانی که فکر می کنید از نظر انسانی غیرممکن است، موعظه کنید. با این اعتماد، اعضای ایماندار کلیسای خود را متقاعد کنید که از اعلام انجیل و دعا برای نجات عزیزان و دوستان بی ایمان خود، تسلیم نشوند.

### حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی

موعظه ای متقاعد کننده هم حاکمیت الهی و هم مسئولیت انسانی را در بر می گیرد. دعوت بی ایمانان به توبه از گناهانشان و ایمان

آوردن به عیسای مسیح ممکن است غیرمنطقی به نظر برسد. از همه‌ی اینها گذشته، تا زمانی که خدا جان‌های مُرده را زنده نکند، آنها نمی‌توانند توبه کنند و ایمان بیاورند بنابراین به نظر می‌رسد منطقی‌تر است قبل از اینکه آنها را به توبه و ایمان دعوت کنیم، ابتدا خدا قلب‌های آنها را به روی انجیل باز کند. در حالیکه به نظر ما این منطقی‌تر است اما الگوی کتاب مقدس نیست. برای مثال، خدا به حزقیال فرمان داد، قبل از آنکه قوم اسرائیل را احیا کند، او کلام خدا را به آنها اعلام کند. حزقیال نبی گفت: «پس چنانکه مرا امر فرمود، نبوت نمودم. و روح به آنها داخل شد و آنها زنده گشته...» (حزقیال ۳۷: ۱۰). اینجا در می‌یابیم که خدا چطور معمولاً از اعلام کلام خدا در احیای گناهکاران استفاده می‌کند. در حالیکه بی‌ایمانان در روح مُرده‌اند - بنابراین قادر نیستند خودشان به خودی خود ایمان بیاورند- با این حال به ناچار وظیفه دارند برای نجات خودشان، ایمان بیاورند. پیغام انجیل واضح است: به عیسای مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت (اعمال ۱۶: ۳۱). هیچکس نمی‌تواند انتظار نجات داشته باشد مگر آنکه ایمان بیاورد. در حقیقت همانطور که به شبانان فرمان داده شده انجیل را موعظه کنند، به بی‌ایمانان نیز فرمان داده شده به انجیل ایمان بیاورند.

بنابراین موعظه‌ی متقاعد کننده از اعلام آزادانه‌ی انجیل و ترغیب بی‌ایمانان به توبه و ایمان دریغ نمی‌کند. از سوی دیگر، موعظه‌ی هاپیر کالونینیستی استدلال می‌کند، از آنجایی که بی‌ایمانان قادر نیستند ایمان بیاورند زیرا در گناهان خود مُرده‌اند، پس وظیفه‌ای هم ندارند برای نجات به عیسی مسیح ایمان بیاورند. به همین روی این درخواست از آنها که از طریق ایمان نزد عیسی بیایند، نه تنها غیرمنطقی بلکه غیر کتاب مقدسی است.

در مقابل، موعظه‌ی متقاعد کننده هم شامل حاکمیت الهی و هم شامل مسئولیت انسانی است - منظور این است مادامی که خدا به ما ایمان نبخشد، نمی‌توانیم ایمان بیاوریم، با این حال مسئولیت داریم ایمان بیاوریم. روح القدس، متقاعد کننده‌ی غایی ماست، با این حال واعظان خوانده شده‌اند که متقاعد کننده باشند. اکنون ممکن است بپرسید موعظه‌ی متقاعد کننده چطور این دو را آشتی می‌دهد؟ چارلز اسپورجن با اشاره به این موضوع می‌گوید:

«اگر از من بخواهید این دو را با هم آشتی دهم، پاسخ خواهم داد: آنها به هیچ مصالحه‌ای نیاز ندارند؛ من هرگز سعی نکردم آنها را با خودم آشتی دهم زیرا هرگز نتوانستم اختلافی ببینم... هر دوی آنها درست هستند. هیچ حقیقتی نمی‌تواند با حقیقت دیگر ناسازگار باشد پس کاری که باید انجام دهید این است که هر دو را باور کنید.»

## قلب و ذهن

موعظه‌ی متقاعد کننده هم فکر و هم قلب را مورد خطاب قرار می‌دهد و هدفش این است که شخص را تحریک کند تا دست به کار شود. در حین موعظه سعی کنید موعظه‌هایی را ارائه دهید که نه تنها ذهن شنوندگان‌تان را آگاهی می‌بخشد بلکه قلب‌های آنان را لمس کند و دست‌های آنها را برای انجام آنچه موعظه شده است، به حرکت درآورد.

متأسفانه برخی از شبانان طوری موعظه می‌کنند که گویی اخبار را گزارش می‌دهند و یا سخنرانی می‌کنند یعنی فقط به انتقال

اطلاعات فکر می‌کنند. از یک خادم شنیدم که می‌گفت «دعوت من به عنوان یک واعظ فقط تعلیم حقیقت خداست و کاربرد این حقیقت کار من نیست بلکه کار روح القدس است.» اما همانطور که دِرک توماس استدلال کرده است: «موعظه، تعلیم و کاربرد است. پیشنهاد اینکه موعظه کاربردی باشد، اغراق قضیه است، اما اگر در موعظه جزء "حال چه باید کرد؟" وجود نداشته باشد، پس چیزی کمتر از موعظه است.» برای اینکه یک شبان بطور متقاعد کننده‌ای موعظه کند، باید اعضای کلیسا را به خوبی بشناسد تا بتواند بطور مؤثری به چالش‌ها و نیازهای روحانی آنها رسیدگی کند.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

**کشیش برایان جی. نجاپفور**، کشیش Heritage Reformed Congregation در اردن، انتاریو است. او بیش از بیست سال به عنوان کشیش در فیلیپین و ایالات متحده خدمت کرده است. او نویسنده چندین کتاب از جمله «زبان انجیل محور» و «شنونده کلام خدا» است.